

گزارشی از مرگ کارگر گمنامی که در ۲۲ تیر ۱۳۷۸ به دست جنایتکاران جمهوری

اسلامی کشته شد



عباس منصوران

این نوشتار سه سال پس از ۱۸ تیر خونین تیرماه ۱۳۷۸ در سال ۲۰۰۱ نوشته شده و از برگه‌های کمون شماره ۱۰۰ ارگان شورای کار) برگرفته شده است. اکنون از آن خیزش ۲۵ سال می‌گذرد. به یاد مختار ابراهیمی‌ها و عزت ابراهیمی‌ها که همان روز به دست پاسداران نیروی ویژه به دستور خاتمی و خامنه‌ای به دانشگاه و مردمی که در حال پیوستن به خیزش ۱۸ تیر بودند، دوباره بازتاب می‌دهی. بیش از ده دانشجو سر به نیست شده‌اند، صدها تن مجروح و به شکنجه گاهها برده شدند.

با یافته شدن جسد کارگر اهل کِلستان شیراز، در سردخانه‌ای در تهران، برادرش شناسایی‌اش کرد. برادر مختار، با اعتماد به نام هیومن رایت واچ (نظارت بر حقوق بشر) آمریکا، و فریبکاری‌های الهه هیکس، تمامی اسناد و اطلاعات را به وی منتقل کرد. وی توصیه کرده بود که سکوت کند و هیومن رایت واچ موضوع را پی گیری می‌کند. کسی نمی‌دانست که او لابی حکومت اسلامی است و نام و موضع قتل حکومتی را به سود قاتلان بایگانی کرد تا جنایات رژیم پنهان بماند. پس ز ا به خاک سپاری پیکر مسختر در کِلستان شیراز، موضوع پی گیری شد ولی شیدایان رفرم و خاتمی در هیچ ارگان و رسانه‌ها خواهان پی گیری نبودند. در آن روزهای خونین، بسیاری از دستگیر شدگان آن روز که رژیم شمارشان را تا ۱۶۰۰ نفر اعتراف کرد، سالها در زندان‌ها به سر بردند.

در نوشتار سه سال پس از قتل مختار، این کارگر مهاجر از شیراز به تهران، به یادآوری قتل او نوشته شده بود: «از آن زمان تا کنون، هزاران نفر دیگر دستگیر و شکنجه و نابود شده اند. جامعه (اعم از تهران و سندج و تبریز و دیگر مناطق) به اعتیاد و ویرانی و سازمان ناپذیری بیشتر، و کاهش فزاینده ارزش های انسانی کشانیده شده است. برامواج فرار دختران و پسران از خانه های آکنده از اضطراب و رنج و فلاکت، در دغدغه بی نانی و بیکاری و بی فردایی و اشباع از خشونت، دهها بار افزوده شده است. تن فروشی دختران و توزیع مواد مخدر و (بویژه هروئین) ب) به دست باندهای حکومتی چنان گسترش یافته که دیگر به یک نرم اجتماعی تبدیل شده است. بنا به سودهای نجومی و چپاول روبه افزایش ثروت و تمرکز به دست آمده از مناسباتی بی رحم و خشن، در یک سوی و در سوی دیگر، تهی دستی و آرزوی نان و سرپناه، دوسوی جامعه‌ی به شدت قطبی شده ی ایران را به نمایش می گذارند. دراین بحبوحه‌ی نگرانی و فرار و بر مرداب دغدغه ی زنده ماندن به هر هزینه متصور-ی- که گاهی برخی را به سرپیچی از این پرداخت، به خودکشی های فردی و جمعی می کشاند- سرنوشت میلیون‌ها موجود خواهان کار و شرف انسانی توسط پاره - باندهایی رقم می خورد که هر کدام در فروش هستی جامعه به شرکت‌های بین المللی، اسکله ها، زندان ها، دستگاههای اطلاعاتی و نیروهای سرکوب مخصوص خود را دارند. این پاره - باندها با بر قراری حاکمیت تخریب و جنایت، پاسداران مناسباتی هستند که در استبدادی مضاعف، شرف و ناموس انسان ها را در اشکال طبقاتی و فراطبقاتی به بازی تباهی و سودهای افسانه ای می برد. اعتراضات خشم آلود جوانان، از جمله انفجار ۱۸ تیرماه سال ۱۳۷۸، واکنشی بود در برابر چنین شرایطی .

در آن شش روزی که زمین زیر پای حکومت اسلامی به لرزه افتاده بود، به فرمان «شورای عالی امنیت ملی»، دهها نفر به گلوله بسته شدند، علاوه بر عزت ابراهیم نژاد، و دیگریانی که نامهایشان از سوی رژیم پنهان مانده است، کارگر جوانی نیز به ضرب گلوله حاکمیت بر زمین افتاد. نامش مختار ابراهیمی فر، و در جستجوی کار از روستای کِلستان شیراز به تهران راهی شده بود، اما در روز

۲۲ تیر ماه ۱۳۷۸، در برابر دانشگاه تهران با گلوله‌ای در چشم و گلوله‌ای بر دهان، به خاک افتاد.

قاتلان مختار ابراهیمی فر، نیروهای زیر فرمان خامنه‌ای و خاتمی بودند که به اعتراف سران

نیروهای سرکوب در «تهران بزرگ» سند درونی همایش الکوثر) دستور داشتند برای نجات

جمهوری اسلامی، درجاری ساختن حمام خون و کشتار هزاران نفر، کوچکترین درنگی نکنند. جسد

این کارگرجوان (مختار ابراهیمی فر)، به سردخانه منتقل گردید و ۱۱ ماه بعد، پس از ماهها تلاش و

سرگردانی خانواده، از طرف پزشکی قانونی تهران، مشروط به سکوت، به برادرش تحویل گردید. به

هنگام انتقال خاموش پیکر این کارگر گمنام به شیراز، از خانواده وی تعهد گرفته شد که هیچ مراسمی

برگزار نشود و خانواده لب به خاموشی ببندد. متأسفانه این خبر در هیچ رسانه گروهی یا از سوی

هیچ گروه سیاسی بازتاب نیافت و بازماندگان مختار نیز زیر تهدید آدمکشان حاکم، اجباراً خاموشی

گزیدند. ازین روی شورای کار، با دستیابی به عکس و اسناد این جنایت، با ارائه به ارگانه‌های بین

المللی و افکار عمومی، به بازتاب آن پرداخته و می پردازد .

هرچند شمار کشته شدگان روزهای ۱۸ تا ۲۴ تیر ماه سال ۷۸ مشخص نگردید، اما به گلوله بسته

شدن عزت ابراهیمی نژاد(افسر وظیفه) که به صف دانشجویان پیوسته بود و مختار ابراهیمی فر

کارگر، توسط نیروهای سرکوب، بیانگر شمار بالای کشته شدگان و مجروحین این خیزش است. حتی

اگر رژیم، تنها در این روز قاتل همین دو انسان باشد، این دو نمونه، ضمن آشکار سازی دروغهای

تبه کارانه خاتمی مبنی بر اینکه: «بدون آنکه خونی از بینی کسی فرو ریزد، شورش کنترل شد.»،

بیانگر این واقعیت نیز می باشد که خیزش تیر ماه، با پویه و پتانسیل همه گیر شدن، به جنبش توده ای

رویکرد داشته و زین پس خواهد داشت. اما، چنین پتانسیل و گسترشی، حتی اگر به قیام سراسری و

سرنگونی حکومت اسلامی بیانجامد، بدون گزینه ی آلترناتیو طبقه کارگر آگاه و انقلابی، یعنی

شوراهای تولید کنندگان برخوردار از آگاهی طبقاتی، بدون ایست، گذار و استقرار سوسیالیسم و لغو

مالکیت خصوصی، هیچ گشایش را در زندگی اجتماعی افراد جامعه پیام آور نخواهد داد .»

«در گرامی داشت تمام جانباختگان خیزش ۱۸ تیر ۱۳۷۸ اندوهمان را تبدیل به نیرو کنیم و



نیروهایمان را در راستای تبادل اندیشه‌ی

پویش گر با کارگران و زحمتکشان

سازمان دهیم.»

عباس منصوران

منبع:

<http://www.communshoura.com>
